

تاریخ ایران

پژوهش آکسفورد

ویراسته تورج دریایی
ترجمه شهربانو صامی



تاریخ ایران

پژوهش آکسفورد

ویراسته تورج دریایی

ترجمه شهربانو صارمی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

***The Oxford Handbook of
Iranian History***

Edited by Touraj Daryaee
Oxford University Press, 2014



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات قنوس

* * *

تاریخ ایران

پژوهش آکسفورد

ویراسته تورج دریایی

ترجمه شهربانو صارمی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

اسفندماه ۱۳۹۸

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۸ - ۴۸۵ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISSN: 978-600-278-485-8

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۸۵۰۰۰ تومان

تقدیم به ایرج افشار و کسانی که مانند او زندگی خود را وقف مطالعه و پژوهش درباره رویدادهایی کردند که در جهان ایرانی به منصفه ظهور رسید.
تورج دریایی

فهرست

- ۹..... سپاسگزاری
- ۱۱..... مؤلفان
- ۱۹..... پیشگفتار
تورج دریایی
- ۳۱..... ۱. فلات ایران از دوران پارینه‌سنگی تا ظهور شاهنشاهی هخامنشی
کامیار عبدی
- ۵۷..... ۲. ایلامیان
دانیل تی. پاتز
- ۷۹..... ۳. جامعه اوستایی
پرودس آکتور شروو
- ۱۴۳..... ۴. شاهنشاهی هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق.م)
علیرضا شاپور شهبازی
- ۱۶۹..... ۵. ایران در دوران اسکندر مقدونی و سلوکیان
اوانجلوس ونتیس
- ۱۹۵..... ۶. شاهنشاهی اشکانی
ادوارت دومبروا
- ۲۲۳..... ۷. شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م)
تورج دریایی
- ۲۴۷..... ۸. ایران در آغاز دوره اسلامی
مایکل جی. مورونی
- ۲۷۱..... ۹. ایران در سده‌های میانه
نگین یآوری
- ۲۸۹..... ۱۰. مغول‌ها در ایران
جورج ای. لین
- ۳۲۱..... ۱۱. تیموریان و ترکمانان: گذار و شکوفایی در قرن پانزدهم م/نهم ه.ق.
علی انوشهر

۱۲. صفویان در تاریخ ایران (۱۵۰۱-۱۷۲۲ م/ ۹۰۵-۱۱۳۵ ه.ق)..... ۳۳۷
 کاترین بابایان
۱۳. حمله افغان‌ها و برآمدن سلسله‌های زندیه و افشاریه (۱۷۲۲-۱۷۹۵ م/ ۱۱۳۴-۱۲۰۹ ه.ق) ۳۵۹
 کامران آقایی
۱۴. ایران در دوران قاجار (۱۷۹۶-۱۹۲۱ م/ ۱۲۱۰-۱۳۴۰ ه.ق)..... ۳۷۳
 منصوره اتحادیه نظام‌مافی
۱۵. عصر پهلوی: مدرنیزه شدن ایران در بستر جهانی..... ۴۰۳
 افشین متین‌عسگری
۱۶. ایران پس از انقلاب (۱۹۷۹-۲۰۰۹ م/ ۱۳۵۷-۱۳۸۸ ه.ش)..... ۴۲۵
 مازیار بهروز
- سلسله‌های حاکم بر ایران..... ۴۵۳
- نمایه..... ۴۶۵

سپاسگزاری

علت وجودی این کتاب آن است که کتاب‌های تألیف‌شده درباره تاریخ ایران یا فقط بر دوره خاصی تأکید دارند یا به یک اندازه به همه دوره‌ها نپرداخته‌اند. از این رو نیاز به کتابی احساس می‌شد که تاریخ فلات ایران را بازنماید، از کسانی بگوید که در این سرزمین زیستند و مردند؛ خالقان فرهنگی که به طرق گوناگون در منطقه و قاره رسوخ کرده است. مؤلفان این کتاب تلاش می‌کنند نه فقط تاریخ ایران عصر جدید، بلکه تا حد امکان کل تاریخ ایران را بازگو کنند. این اولین و شاخص‌ترین تفاوت این کتاب با کتاب‌های دیگری است که درباره تاریخ ایران نگاشته شده است. دوم آن‌که متخصصان هر دوره با مقالات تخصصی در حوزه مطالعاتشان اطلاعاتی قابل فهم در اختیار دانشجویان و علاقه‌مندان قرار می‌دهند.

مؤلفان این کتاب مورخ، زبان‌شناس و متخصص در زمینه مطالعات ایرانی هستند. آن‌ها کوشیده‌اند چکیده‌ای از تاریخ و فرهنگ ایران را به شیوه‌ای روشن و قابل فهم در اختیار مخاطبان قرار دهند. چهار سال طول کشید تا کتاب به مرحله نهایی برسد و در این میان همه نتوانستند ثمره کار خود را ببینند. درگذشت علیرضا شاپور شهبازی، مورخ گرانقدر ایران باستان، باعث اندوه عمیق ما شد. از تمام مؤلفان به خاطر زحماتشان سپاسگزاری می‌کنم.

مایلم به‌ویژه از چند تن تشکر کنم. افشین مرعشی که در بررسی طرح اولیه و چارچوب‌های این تحقیق به من کمک کرد. علی موسوی در بررسی مسائل مربوط به فرهنگ مادی ایران کمک‌حال من بود. خداداد رضاخانی، سارا مشایخ و کنراد هارتر نمودار تبارشناسی را آماده کردند؛ وارن ساوئرد و یوهان اس. دی. ویوینا برای تصحیح دستنوشته به من کمک کردند. مایلم از ایرج افشار نیز که در ده سال گذشته مرا در سفر به سراسر ایران همراهی کرد و فرصت عکاسی را برایم فراهم آورد سپاسگزاری کنم. از لیندا کوماروف که سخاوتمندانه اجازه انتشار یک مینیاتور ایرانی از مجموعه خطی موزه هنر لوس آنجلس را داد سپاسگزارم. همچنین مایلم از سونیا توکو که صبورانه و در زمانی کوتاه کل دستنوشته را خواند تشکر کنم. و در آخر از نانسی توف، مدیر انتشارات دانشگاه آکسفورد، به پاس کمک‌ها و راهنمایی‌هایش و کمک به انتشار کتاب سپاسگزارم.

تورج دریایی

مؤلفان

کامیار عبدی سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) در تبریز به دنیا آمد. لیسانس خود را در رشته باستان‌شناسی از دانشگاه تهران گرفت و در سال ۲۰۰۲ موفق به اخذ دکتری در رشته مردم‌شناسی از دانشگاه میشیگان شد. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ دانشیار مردم‌شناسی در کالج دارتمت بود و از سال ۲۰۰۸ به عنوان دانشیار باستان‌شناسی در دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، مشغول به کار شد. عبدی در چند محوطه باستان‌شناسی ایران، ترکیه و ایالات متحده آمریکا کارهای میدانی انجام داده است. پژوهش اصلی او در زمینه ساختار اجتماعی-سیاسی ایلام است، به ویژه دوران پیشایلامی تا ایلام باستان، و گذر از مرحله نوایلامی به دوره هخامنشی.

کامران آقایی دکتری خود را در تاریخ از دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس گرفت. او دانشیار و سرپرست مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه تگزاس در آستین است. وی بیشتر با مطالعات اسلامی، تشیع و تاریخ جدید ایران و خاورمیانه، و نیز تاریخ جهان، تاریخ‌نگاری، مطالعات مذهبی، ملی‌گرایی، مطالعات جنسیتی، و تاریخ اقتصاد سروکار دارد. او به تدریس تاریخ ایران و خاورمیانه اشتغال دارد و حوزه تخصصی مطالعاتش تشیع است.

علی انوشهر به تدریس تاریخ جهان و تاریخ تطبیقی اسلام پیشامدرن در دانشگاه کالیفرنیا در دیویس مشغول است. او لیسانس خود را در علوم انسانی از دانشگاه تگزاس در آستین گرفت (۱۹۹۴) و فوق‌لیسانس و دکتری‌اش در تاریخ اسلام را از دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس اخذ کرد (۲۰۰۵). او در دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس، کالج سانتا مونیکا، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لوس آنجلس، دانشگاه ایالتی سان مارکوس و دانشگاه سنت خاویر تدریس کرده است. همچنین درباره سه سلطان غازی دوران میانه یعنی سلطان محمود غزنوی، بابر بنیان‌گذار سلسله گورکانی هند، و سلطان مراد دوم عثمانی مطالعاتی انجام داده است.

کاترین بابابان دکتری خود را در تاریخ اسلام از دانشگاه پرینستون گرفت. او دانشیار تاریخ و

فرهنگ ایران در گروه مطالعات خاور نزدیک دانشگاه میشیگان است. زمینه تخصص او دوره صفویان و تاریخ پیشامردن ایران است. او در زمینه جنسیت در ایران و دنیای اسلام مطالعه می‌کند. مازیار بهروز دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو است. او چندین مقاله و فصل‌هایی از چند کتاب را در مورد ایران تألیف کرده و مؤلف دو کتاب درباره تاریخ جنبش چپ در ایران و مجموعه مقالات و مصاحبه‌هایی در مورد جنبش چپ در ایران است که ترجمه و منتشر شده است. او دکتری خود در تاریخ ایران را از دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس گرفته است.

ادوارت دومبروا استاد تاریخ دانشگاه یاجیلونیان در کراکوف لهستان است. تخصص او در زمینه تاریخ نظامی و تاریخ روم باستان، پارت‌ها [اشکانیان]^۱ و اسرائیل است. در حال حاضر رئیس گروه تاریخ باستان و سرپرست مطالعات یهودیان دانشکده تاریخ دانشگاه یاجیلونیان و سردبیر مجله آن است که الکتروم^۲ و اسکریپتا یودایکا کراکووینسیا^۳ منتشر می‌کند. او عضو کمیسیون زبان‌شناسی باستان آکادمی هنرها و علوم لهستان، کمیته تاریخ و فرهنگ یهودیان، و آکادمی و مؤسسه هلندی مطالعات پیشرفته در علوم انسانی و اجتماعی است.

تورج دریایی استاد تاریخ ایران و جوامع پارسی‌زبان هاوارد سی. باسکرویل و از مدیران مرکز ساموئل ام. جُردن بخش مطالعات و فرهنگ ایران در دانشگاه کالیفرنیا در اروین است. پژوهش‌های او بر تاریخ ایران باستان و به طور خاص بر تاریخ ساسانی و زبان و ادبیات فارسی میانه متمرکز است. او به تدریس تاریخ جهان باستان، تاریخ ایران، و ادیان ایران باستان اشتغال دارد و سرپرست مجله بین‌المللی مطالعات ایران باستان است.

جووچ لپن مدرس ارشد تاریخ خاورمیانه و آسیای مرکزی مدرسه عالی مطالعات شرق و آفریقا در دانشگاه لندن است. او به تدریس تاریخ خاورمیانه و آسیای مرکزی، ایران سده‌های میانه، و امپراتوری گورکانی هند اشتغال دارد. او در کتاب خود به چنگیزخان و امپراتوری مغول و حکومت ایلخانان در ایران سده سیزدهم م/هفتم ه.ق پرداخته است.

منصوره اتحادیه نظام‌مافی مدرک کارشناسی ارشد و دکتری خود را از دانشگاه ادینبرو گرفت. از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۰۰ به تدریس تاریخ قاجار در دانشگاه تهران مشغول بود. از سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) با تأسیس نشر تاریخ ایران، که به تاریخ ایران می‌پردازد، مدیریت آن را بر عهده داشته است. او اکنون در زمینه افکار عمومی در سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰ (حدود ۱۲۴۸-۱۲۹۸ ه.ش) در حال تحقیق است. افشین متین‌عسگری دکتری خود را در تاریخ از دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس گرفت. او

۱. قلاب‌ها افزوده مترجم است، و در موارد محدودی که افزوده مؤلف است در پانویس ذکر شده است. شکل دوم برخی اسامی هم، که به دو شکل رایج در منابع مختلف آمده‌اند، داخل قلاب آورده شده است. م.

دانشیار تاریخ در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لوس آنجلس است. حوزه‌های تخصصی او به خاورمیانه قرن بیستم، ایران دوره جدید، و جنبش‌های سیاسی و روشنفکری اسلامی مدرن مربوط می‌شود. دکتر متین‌عسگری به تدریس دوره‌های مختلف تاریخ خاورمیانه، تاریخ جهان، اسلام و دین تطبیقی اشتغال دارد.

مایکل جی. مورونی استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس با گرایش تاریخ خاور نزدیک است. او مدرک کارشناسی خود در زبان‌های خاور نزدیک را از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی گرفت و از دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در مطالعات اسلامی و دکتری در تاریخ شد. تحقیقات او اساساً روی اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی در ایران و عراق متمرکز است. او به تدریس تاریخ ساسانی، تاریخ اندیشه اسلامی، و تاریخ‌نگاری در دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس اشتغال دارد.

دانیل تی. پاتز تحقیقات او روی تحولات فرهنگی ایران، بین‌النهرین و شبه‌جزیره عربستان متمرکز است. کارهای میدانی پرفسور پاتز بیشتر در ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی بوده است و کارهای تجربی او در محوطه‌هایی حاوی چندین دوره بدان معنی است که دامنه‌ی علایق او از لحاظ گاهنگاری عصر نوسنگی تا فتوحات اسلامی را در بر می‌گیرد. او مجذوب سنن دینی خاور نزدیک و مسائل مربوط به آن است، به‌ویژه مواقعی که فرهنگ‌های مختلف همپوشانی دارند یا در تضاد با هم قرار می‌گیرند، اتفاقی که در دوران هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان رخ داده است. او برای درک اقتصادهای باستانی، به منظور کمک به رهیافت‌های باستان‌شناختی، علاقه بسیار به استفاده از منابع میخی دارد.

علیرضا شاپور شهبازی دکتری خود در باستان‌شناسی شرق آسیا را از مدرسه عالی مطالعات شرق و آفریقا در دانشگاه لندن گرفت. او مدرس باستان‌شناسی هخامنشی و ایران‌شناسی در دانشگاه شیراز، دانشگاه هاروارد، و دانشگاه آریگن شرقی بود. در سال ۱۹۷۳ بنیاد تحقیقات هخامنشی را در ایران تأسیس کرد. شهبازی چندین کتاب و مقاله درباره باستان‌شناسی و تاریخ هخامنشیان و ساسانیان به فارسی، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی نوشته است. او در سال ۲۰۰۶ درگذشت.

پرودس اکتور شروو استاد مطالعات ایران‌شناسی در دانشگاه هاروارد است. او به تدریس زبان‌های باستانی ایران (فارسی باستان، اوستایی، پهلوی، سغدی) و ادیان قبل از اسلام (ادیان زرتشتی و مانوی) و تاریخ اشتغال دارد. تحقیقات او در سالیان اخیر روی ادبیات اوستایی و مبانی آیین زرتشت و نیز کاربرد تئوری ادبیات شفاهی و اسطوره‌شناسی تطبیقی در ادبیات و دین باستانی ایران متمرکز بوده است.

اوانجلوس ونتیس در حال حاضر پژوهشگر ارشد مطالعات اسلامی و ایرانی در مدرسه عالی مطالعات آسیایی، آفریقایی و آمریکایی - سرخپوستی دانشگاه لیدن در هلند است. او اولین

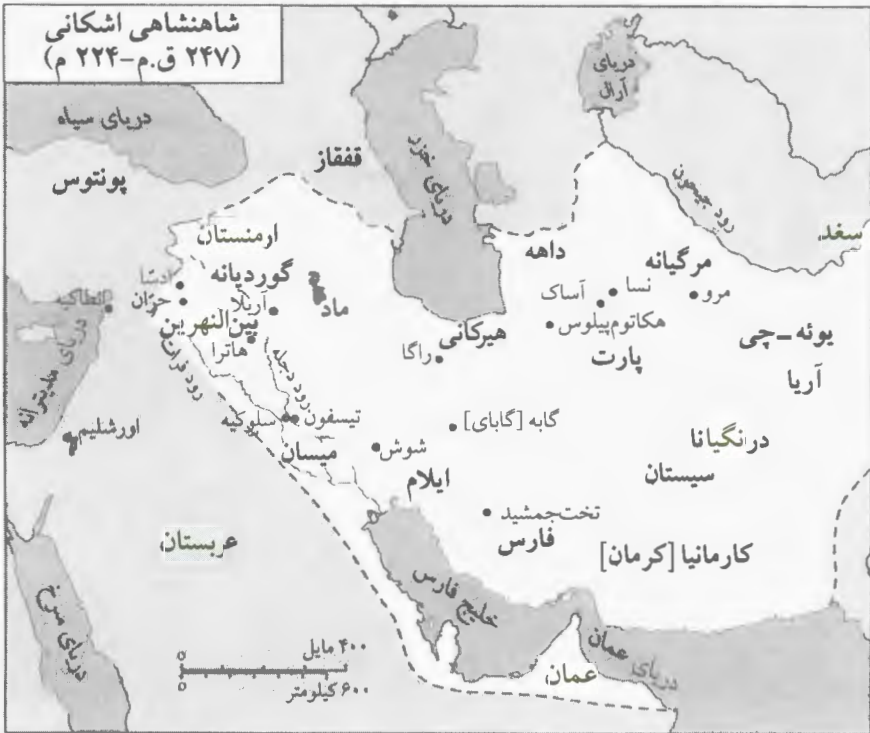
مدرک تحصیلی خود را در تاریخ (۱۹۹۹) و نیز مدرک کارشناسی ارشدش را در همین رشته از دانشگاه یونانی‌ای یونان گرفت. دکتری خود در مطالعات خاورمیانه را نیز از گروه مطالعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه ادینبرو اخذ کرد. علاقه او به پژوهش درباره جهان ایرانی و یونانی از ازمه باستان تا عصر مدرن است. آثار و نتایج شامل کتاب‌ها و مقالاتی در مورد جنبه‌های مختلف خاورمیانه مدرن و پیشامدرن است، از جمله رساله تازه تکمیل شده او درباره تاریخ هلنیسم در ایران مدرن و روایت ایرانی اسکندر.

نگین یاوری دانشیار تاریخ در مدرسه نوین هنرهای لیبرال نیویورک است. او دکتری و فوق دکتری خود در تاریخ را با تخصص در زمینه تاریخ اسلام در سده‌های میانه از دانشگاه کلمبیا گرفت. علاقه‌مند به اندیشه سیاسی و الهیات سده‌های میانه با تأکید روی مرحله گذر از سده‌های میانه به اوایل عصر مدرن است. تحقیق کنونی او درباره اندرنامه‌های سیاسی سده‌های میانه، مطالعه تطبیقی نسخه‌های اروپایی و اسلامی برای شاهزادگان و بازتاب آن‌ها در تعبیر و تفسیر زبان سیاسی عصر مدرن به‌ویژه در دنیای اسلام است.

شاهنشاهی هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق.م)



شاهنشاهی اشکانی (۲۴۷ ق.م-۲۲۴ م)





ایران دوره تیموری
(حدود ۱۴۰۰-۱۵۰۰ م / ۸۰۰-۹۰۰ ه.ق)



امپراتوری صفوی
(حدود ۱۵۰۱-۱۷۲۲ م / ۹۰۵-۱۱۳۵ ه.ق)





پیشگفتار

□ توجیح دریایی

ایران دولت-ملتی است که تا اوایل قرن بیستم آن را در دنیا به نام پرشیا [پارس] می‌شناختند. در غرب نام پارس اغلب یادآور دنیایی سرشار از اسرار، انحطاط و تجمل بود، تصویری که از زمان مؤلفان یونان باستان تا سیاحان عصر ویکتوریا ادامه داشت. فرش ایرانی، گریه ایرانی و خاویار ایران، در میان دیگر اقلام، مترادف با پارسیان و ایران است. امروز ایران الگویی برای مبارزه طلبی در برابر غرب و امپریالیسم و مدافع دنیای اسلام و فلسطینی‌ها در برابر تهدیدات و تحریم‌ها تلقی می‌شود. اما این‌ها همه گوشه‌ای از تمدنی با تاریخ دور و دراز و پیچیده است که ناظران امروزی را همان‌قدر مجذوب و متحیر می‌کند که گذشتگان را می‌کرد. به همین دلیل است که تاریخ ایران برای دنیای انگلیسی‌زبان جذاب و ارزشمند است.

طبق روایات مسیحی، سه مغ زرتشتی، موبدان دین کهن ایران، برای یافتن عیسی [ع] در بیت‌لحم، که بسیار دور از آتشکده‌هایشان بود، ستارگان را دنبال کردند. مغان، آتشکده‌هایشان و توانایی آن‌ها در مشاهده ناشناخته‌ها را از هرودوت گرفته تا مارکوپولو توصیف کرده‌اند. بزرگ‌ترین امپراتوری عصر باستان، یکی از نیکخواه‌ترین امپراتوری‌های تاریخ، در صورتی که امپراتوری خوبی وجود داشته باشد، از آن ایرانیان است. کوروش کبیر، بنیان‌گذار آن، نقشه دنیا را تغییر داد و برای اولین بار در تاریخ، جهان آفریقایی-آسیایی را به هم نزدیک ساخت. جانشینان او اولین نظام سیاسی در مقیاس جهانی را خلق کردند، سه نظام آبی باستان — تمدن‌های سند، نیل و بین‌النهرین — را زیر یک چتر گرد آوردند. بیانیه کوروش کبیر، استوانه کوروش، در میان اسناد باقیمانده از فاتحان جهان موردی استثنایی است که در آن صلح و عدالت میان اقوام و ادیان گوناگون را تحت حکومت استوار خود اعلام می‌کند. به همین خاطر است که در عهد عتیق از او با مهر تمام به عنوان «مسیح» خداوند یاد می‌شود و گزنفون وی را به عنوان موضوع اولین زندگی‌نامه یونان برمی‌گزیند.

هنر و اندیشه‌هایی را که ایرانیان به دنیای باستان عرضه کردند دنیای اسلام به غرب مسیحی منتقل ساخت. اواخر عصر باستان، ایرانیان بازی چوگان، ورزش محبوب خود، را به دنیا عرضه کردند. این بازی که بازی اشراف بود همراه با بازی تخته‌نرد وسیله آموزش و آمادگی جسمانی ایرانیان در دوره باستان بود. از دیگر محصولات فرهنگی شطرنج بود، ایرانیان قواعد آن را تغییر دادند به نحوی که بازی به شیوه کنونی درآمد، همچنین یکی از کهن‌ترین شواهد جنگ با نیزه بر پشت اسب در سده سوم میلادی به ایران مربوط می‌شود. بشقاب‌های مطای اواخر دوره ایران باستان محبوب‌ترین مشغله‌های درباریان و اشراف به‌ویژه فرمانروایان را که در دنیای ایرانی «شاه شاهان» (شاهنشاه در فارسی میانه) نامیده می‌شد به نمایش می‌گذارد. این اعمال به تعبیری اوج پایدیای ایرانی‌ها، چنان‌که در فارسی میانه نامیده می‌شود، فرهنگ بود. به این ترتیب یک ایرانی می‌بایست از نظر فکر و جسم سلامت و تعادل می‌داشت تا فردی با فرهنگ و کامل باشد. زمانی که این هنرها را کسب می‌کرد تبدیل به «انسان کامل» می‌شد، اصطلاحی که بعدها پس از اسلام در تصوف به کار گرفته شد.

در سراسر دنیای باستان، ایرانیان را از لحاظ سیاسی با ترسی آمیخته به احترام می‌نگریستند، واقعیتی که بیشتر ناشی از جنگ دولت‌شهرهای یونانی برای استقلال از ایرانیان و از یکدیگر بود. از دیدگاه یونانیان آن زمان، پادشاهی بر ایرانیان فرمان می‌راند که جوهره مطلق سلطنت بود. این پادشاهان در کاخ‌هایی افسانه‌ای می‌زیستند، خوراک شاهانه می‌خوردند، بر بی‌شمار سپاهیان فرمان می‌راندند و نیمی از دنیا را تحت سیطره داشتند. ایرانیان باستان، از کوروش کبیر تا خشایارشا، به دلایل مختلف در ادبیات کهن شناخته شده بودند و از آن‌ها یاد می‌شد. در حالی که خشایارشا به دلیل تلاش برای فتح یونان منفور بود، گزنفون کوروش را به عنوان موضوع اولین زندگی‌نامه یونان با نام کوروپدیا یا «کوروش‌نامه» برگزید. به تعبیری، کوروش کبیر برای قدما، یونانیان و ایرانیان به یکسان همان انسان کامل بود. فتح امپراتوری ایران به دست اسکندر مقدونی در وهله اول باعث ویرانی و بعد نابودی تخت جمشید پایتخت معروف ایران شد. اما این فتوحات عامل درآمیختن یونانیان و ایرانیان در عصر هلنی نیز بود. به گفته پی‌یر بریان، پژوهشگر عصر هخامنشی، اسکندر آخرین پادشاه هخامنشی بود.

این برخوردها پس از رنسانس اروپا به خلق ایده تعارض غرب مدرن با شرق یا آسیا کمک کرد. در یک سو غرب با نیاکان خود یعنی یونانیان قرار گرفته بود و در سوی دیگر شرق با نیاکان خود پارسیان یا ایرانیان. این ناسازگاری دوجانبه و میراث فرهنگی بیشتر مخلوق سنت مدرن غرب است تا واقعیت، چرا که یونانیان و ایرانیان بیشتر با هم تعامل داشتند تا آلمانی‌ها یا انگلیسی‌ها با یونانیان. به تعبیری ایرانیان و یونانیان در یک حوزه فرهنگی قرار می‌گیرند و وارثان فرهنگی یک محیط هستند. در سده‌های میانه تعداد ایرانیانی که به بررسی کتاب‌های منسوب به ارسطو و افلاطون پرداختند، آن‌ها را مطالعه کردند و بر آن‌ها شرحیات نوشتند بیشتر از محققان اروپایی بود.

راه‌اندازی تجارت جاده ابریشم در سده دوم قبل از میلاد دستاورد اشکانیان بود. پیش‌تر در زمان امپراتوری هخامنشیان جاده شاهی به طول بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر ساخته شده بود که فلات ایران را به مدیترانه وصل می‌کرد. در سال ۱۱۵ ق.م، در دوران فرمانروایی مهرداد دوم اشکانی، سفرای چین از سوی امپراتور وودی به دربار ایران آمدند. آن‌ها پیمانی بستند که بر اساس آن کالا به ایران و از راه ایران به مناطق دیگر صادر می‌شد. به این ترتیب با بسته شدن پیمانی میان چین و ایران، چینی‌ها، ایرانیان و رومیان تبدیل به بازیگران اصلی اقتصاد عصر پیشامدرن اوراسیا شدند. رومیان در ماجراجویی‌های توسعه‌طلبانه خود در خاور نزدیک با ایران اشکانی رودرو شدند. در سال ۵۳ ق.م، در نبرد حرّان، اشکانیان نیروهای شکست‌ناپذیر روم را خوار و خفیف کردند. رومیان قدرت مقهور ساختن امپراتوری اشکانیان را نداشتند و ناگزیر می‌بایست قدرت آنان را به رسمیت می‌شناختند. آن‌ها همچنین باورهای ایرانی را به شکل میتراییسم و از طریق ارمنستان از ایران اخذ کردند. مراسم تشریف آیین میترا با مفاهیم فلسفی و مرتبط با رستگاری ریشه در آیین زرتشت داشت. رومیان این سنت را اخذ و [با باورهای خود] سازگار کردند و «دین پارسیان» — چنان‌که رومیان آن را می‌نامیدند — به صورت گسترده در اروپا و حوزه مدیترانه انتشار یافت تا بالاخره در سده پنجم میلادی مسیحیت بر آن چیره شد.

در سده سوم میلادی، با به قدرت رسیدن سلسله جدید ساسانی، ایران به قدرتمندترین امپراتوری منطقه تبدیل شد. در سال‌های بین ۲۴۰ تا ۲۷۰ م، شاپور اول با به اسارت گرفتن یکی از امپراتوران روم و کشتن دیگری و خراجگزار کردن یکی دیگر، روم را به زانو درآورد. شاپور دوم در قرن چهارم میلادی پیروزی‌های یک سده قبل را تکرار کرد، رومیان را شکست داد و موجب مرگ امپراتور/سردار آن‌ها یولیانوس کافر شد. در سده‌های ششم و هفتم میلادی دو پادشاه به نام خسرو [خسروانوشیروان و خسرو پرویز] در تیسفون، یکی از ثروتمندترین و بزرگ‌ترین شهرهای اواخر عصر باستان، حکومت می‌کردند. می‌توانیم ذهنیت و جهان‌بینی ایرانیان را از داستانی درباره پادشاه ایران و تختگاه او دریابیم. ایرانیان سه تخت تشریفاتی برای فرمانروایان روم، ترک و چین در کاخ تیسفون قرار داده بودند. پادشاه ایران به نشانه برتری روی تختی بزرگ‌تر از بقیه می‌نشست. جنگ‌های خسرو دوم و امپراتور هراکلیوس زمینه‌ساز انحطاط بیزانس و سقوط شاهنشاهی ساسانی و پایان عصر باستان شد. مسلمانان به راحتی جنوب غرب آسیا و شرق مدیترانه را روفتند و دو قدرت برتر اواخر عصر باستان را نابود کردند. این نکته شایان توجه است که خود ایرانیان، به‌ویژه سواره‌نظام آن‌ها، به فاتحان پیوستند و در پیروزی اسلام در آفریقا و آسیا در سده‌های هفتم و هشتم میلادی نقش بسزایی داشتند. در نتیجه این وقایع دنیای ایران باستان از لحاظ سیاسی، اجتماعی و دینی دستخوش دگرگونی عمیقی شد و به این ترتیب به بخشی از قلمرو وسیع اسلام تبدیل شد.

واژه ایران و تصویری که ارائه می‌کند در اصل ریشه‌اش به زادگاه اسطوره‌ای آریاییان

برمی‌گردد. در اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان، به‌ویژه در نیایش‌ها و سرودهایی که خاص یَزَت‌ها [ایزدها] — یا آن‌هایی که سزاوار دریافت قربانی‌اند — آمده است، پهلوانان و پادشاهانی را می‌یابیم که قربانی‌هایی به آن‌ها پیشکش می‌شود، از این رو آن‌ها می‌توانستند بر آنچه «گستره آریاییان» نامیده می‌شد حکومت کنند. این مکان در زبان اوستایی به نام آرین و تیجه Aryana Vaējah معروف است، که در زمان ساسانیان به فارسی میانه ایران‌ویج Iran-Vej نامیده می‌شد. در اوستا به عنوان جغرافیایی آریانام دهیونام، Airyanam Dahyunam «سرزمین آریاییان (یا ایرانیان)»، برمی‌خوریم که ظاهراً بخش شرقی جهان بزرگ‌تر ایرانی بوده است، همان افغانستان و ترکمنستان امروزی. اواخر عصر باستان برای اولین بار با اصطلاح دیگری روبه‌رو می‌شویم، ایرانشهر Erānshahr، که در حال حاضر پیوند ویژه‌ای با این فلات دارد. ایرانشهر به معنی «سرزمین ایرانیان» است، و دست‌آخر در سده‌های ششم و هفتم میلادی کوتاه‌شده آن، ایران، با شاهنشاهی ساسانی گره می‌خورد. این بدان معنی است که ساسانیان از سنت‌های دین کهن خود برای نامیدن قلمروی استفاده کردند که بر آن سیطره داشتند. ایران نه تنها با دیوارهای مرزی و دفاعی در چهارگوشه آن تعریف می‌شد بلکه برای ایرانی بودن آداب و اصول فرهنگی نیز اهمیت داشت. در ادبیات فارسی میانه با مردمی مواجه می‌شویم دارای «سرشت ایرانی» و «نگرش ایرانی» که آیین زرتشتی در ابتدا آن را شکل داد. اما در سده‌های ششم و هفتم میلادی یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان همگی به یکسان با ایران و ایرانی بودن تعریف می‌شدند.

در نتیجه فتوحات مسلمانان در سده هفتم م/اول ه.ق، ایران بخشی از قلمرو بزرگ‌تری شد که دارالاسلام نامیده می‌شد. دو قرن بعد، اسلام به مثابه دین و فرهنگ تبدیل به ویژگی مهم بیشتر مردم فلات ایران شده بود. باید به این نکته توجه کرد که خود ایرانیان نقش مهمی در توسعه فرهنگ اسلامی خارج از شبه‌جزیره عربستان داشتند، وجود واژه‌های فارسی در قرآن نشانه نفوذ ایران در شبه‌جزیره عربستان است. ایرانیان توانستند اسلام را به مثابه دین و فرهنگ به شیوه‌ای انتشار دهند که از پیام اولیه آن پیشی گیرد، واقعیتی که ذهن دنیای غیرمسلمان را تسخیر کرده است. اصطلاح‌شناسی مارشال جی. اس. هاجسن نشان می‌دهد که دنیای ایرانی-اسلامی هنوز هم نشان‌دهنده ارزش‌ها و اندیشه‌های ایرانی است که بخش عمده‌ای از آن حاصل مواجهه با اعراب و بیشتر آن نتیجه پیشینه فرهنگی آن است. در سده یازدهم م/پنجم ه.ق زبان فارسی وسیله اصلی گسترش اسلام در شرق شد. مهم‌ترین شاهد آن یکی از مهم‌ترین کتب منظوم سده یازدهم م/پنجم ه.ق است که نه در فارس، بلکه در خراسان نگاشته شد. شاهنامه فردوسی شاهکار زبان فارسی در طول هزار سال گذشته تلقی می‌شود. شاهنامه داستان شاهان ایران باستان، باورها، آرمان‌ها و ارزش‌های ایرانیان را بازمی‌گوید. کاتبان و نقالان به طرق مختلف

بقای شاهنامه و تبدیل آن به مظهر هویت ایرانیان را تضمین کردند. اولین سلسله‌های مستقل در ایران [اسلامی] بین سده‌های دهم و سیزدهم م/چهارم و هفتم ه.ق، یعنی سامانیان، آل‌بویه، غزنویان و سلجوقیان، بدون توجه به ترک، عرب یا فارس بودنشان این کتاب را ترویج کردند، از آن درس گرفتند و آن را سرمشق خود قرار دادند.

در سده نهم م/سوم ه.ق، ایران به‌ظاهر تحت حاکمیت خلفا قرار داشت اما در عمل پادشاهی‌هایی مجزا بود که ابتدا ایرانیان محلی و بعدها ترک‌ها عهده‌دار اداره آن شدند. ترک‌ها، مهاجران تازه‌وارد از استپ‌ها، ابتدا به عنوان سرباز و غلام آمدند اما سرانجام به شاهان و سلاطین ایران تبدیل شدند. آل‌بویه و سامانیان فارسی‌زبان از سده یازدهم تا سیزدهم م/پنجم تا هفتم ه.ق جای خود را به غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان ترک‌تبار دادند. اما زبان و ارزش‌های ایرانی هنوز چنان پرقدرت بود که تازه‌واردان به‌تمامی جذب آن و ایرانی شدند. در واقع فرهنگ و انسان‌مداری ایرانی دست به دست هم داد و عصر تازه‌ای از علم و فضیلت برای خاورمیانه و دنیا به وجود آورد.

بین سده‌های نهم و سیزدهم م/سوم و هفتم ه.ق دنیای ایرانی در علم، فلسفه، شعر، و انسان‌مداری به اوج خود رسید. محمدبن موسی خوارزمی در شرق ایران جبر و اعداد اعشاری را معرفی کرد. در واقع واژه الگوریتم برگرفته از نام خوارزمی است. زکریای رازی که اواخر قرن نهم م/سوم ه.ق در ری چشم به جهان گشود یکی از پرآوازه‌ترین پزشکان دوران خود شد. او بیمارستان‌هایی تأسیس کرد و بیماری‌هایی مانند آبله و سرخک را به‌درستی تشخیص داد، او الکل طبی را تقطیر و «کشف» کرد. در سده دهم م/چهارم ه.ق ابونصر فارابی تنها و مهم‌ترین کتاب دربارهٔ تئوری موسیقی را نوشت و در غرب به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان شرق و مفسر اصلی آثار ارسطو شناخته شد.

در سده یازدهم م/پنجم ه.ق ابوریحان بیرونی، دانشمند جامع‌الاطراف که در تمام زمینه‌های علمی از جمله جغرافیا و تاریخ معرفت داشت، در خراسان بزرگ می‌زیست. در سده دوازدهم م/ششم ه.ق عمر خیام که مانند بیرونی زادگاهش همان منطقه بود مهم‌ترین رسالهٔ ریاضی دنیای اسلام را در مورد جبر نوشت. خیام فیلسوف و به نحوی لادری یا، آن‌طور که بعضی‌ها ادعا کرده‌اند، ملحد نیز بود. این واقعیت را که در دنیای ایرانی بدان توجه شایسته نشده می‌توان از شعرهای او دریافت. این ادوارد فیتزجرالد دانشور انگلیسی بود که در قرن نوزدهم م/سیزدهم ه.ق شعر خیام را در غرب بلندآوازه کرد و جایگاه او را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شعرای دنیای اسلام محرز ساخت. در قرن گذشته، خیام از این لحاظ در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. او عامل اصلی انتقال علم هند به غرب به واسطهٔ آثار و تفاسیر خود بود. خواجه نصیرالدین طوسی، فیلسوف و منجم سده سیزدهم م/هفتم ه.ق، به سبب توانایی‌های علمی و ساخت رصدخانه‌ای مهم در مراغه مورد توجه است. این افراد از جمله متفکران مهمی

بودند که ایران سده‌های میانه را به نمونه بارز عصر طلایی علم و انسان‌مداری تبدیل کردند، دورانی منحصربه‌فرد تا عصر جدید.

در حالی که حمله قبایل بیابانگرد از جنوب شرق قبل از اسلام به پایان رسیده بود، حمله بیابانگردان استپ‌های شمال شرق فاتحان تازه‌ای به همراه داشت. مغول‌ها آغازگر مرحله تازه‌ای در تاریخ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران بودند. علاوه بر زندگی یکجانشینی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی، شیوه زندگی شبانی نیز در ایران باب شد. جنگل‌زدایی مستمر و ویرانی زمین‌های کشاورزی در کنار نابودی کتابخانه‌ها و مرگ پژوهشگران و مردان قلم، ایران را دچار چنان عقب‌ماندگی‌ای کرد که هرگز نتوانست دوباره قد علم کند. شهرهایی چون سمرقند و بخارا در شرق که نزد ایرانیان در حکم مراکز علم و فرهنگ بودند با حمله مغول ویران شدند. اولین قتل‌عام‌ها و ویرانی‌ها را کسانی گزارش کردند که جان سالم به در بردند و توانستند ابعاد فاجعه‌بار ویرانی را بازگو کنند. اما سرانجام خانان مغول و سپاهیان‌شان مسلمان شدند، زبان فارسی را برگزیدند و در دوران ایلخانان و تیموریان، بین سده‌های سیزدهم و پانزدهم م/هفتم و نهم ه.ق، دوره‌ای از شکوفایی فرهنگی شکل گرفت. نقاشی مینیاتوری و زبان فارسی معروف‌ترین محصولات فرهنگی این دوران است. عمارت‌های شگفتی مانند آرامگاه اولجایتو خداینده در سلطانیه گواهی است بر معماری گنبدی ایران سده‌های میانه.

شکوفایی زبان فارسی اهمیت ویژه‌ای برای فرهنگ ایران سده‌های میانه دارد، در این دوران برخی از مهم‌ترین شخصیت‌های ادبی ایران سر برمی‌آورند. برخی از این شخصیت‌ها در فلات ایران می‌زیستند و عده‌ای در بخش‌های دیگر دنیای اسلام. قرن سیزدهم م/هفتم ه.ق سعدی در شیراز زندگی می‌کرد، در یکی از پرآشوب‌ترین دوره‌های تاریخ ایران و آسیا، در زمانه‌ای که خاورمیانه و جهان ایرانی عرصه تاخت و تاز مغولان شده بود. در بجهوه این ویرانگری‌ها، سعدی مهم‌ترین آثار خود بوستان و گلستان را خلق کرد که حاوی روایات اخلاقی و اجتماعی پرمایه و خردمندانه در زمانه‌ای پرآشوب بود. حتی تا اواسط قرن بیستم م/چهاردهم ه.ق، یک ایرانی در صورتی می‌توانست مدعی فرهیختگی باشد که آثار سعدی را مطالعه کرده باشد. در قرن سیزدهم م/هفتم ه.ق مولانا جلال‌الدین بلخی دیگر شاعر ایرانی، در غرب معروف به رومی، برجسته‌ترین شاعر صوفی مسلک زبان فارسی و دنیای اسلام و امروز غرب شد. حافظ قرن چهاردهم م/هشتم ه.ق در شیراز می‌زیست. او هرگز شهر خود را ترک نکرد اما ایرانیان و فارسی‌زبانان سراسر جهان هنوز هم به زیارت آرامگاه او می‌روند و شعرهای او درباره عشق، عرفان، نفسانیات و لذات روحانی و مستی را می‌خوانند. در قرن چهاردهم م/هشتم ه.ق ابن بطوطه، سیاح مسلمان، گویش به زبان فارسی را حتی در چین نیز شنیده بود، فارسی تا قرن نوزدهم م/سیزدهم ه.ق زبان درباری و اداری هند بود، اما استعمار بریتانیا به این سنت پایان بخشید. از این روست که «شرق» در ذهن غربی‌ها تداعی‌کننده گستره دور و درازی است.

تصاویر اسرارآمیز و مفهوم شرق، مکانی که مردم در بازارها جمع می‌شدند یا با اسب و شتر سفر می‌کردند و در کاروانسراها اقامت می‌گزیدند، با دنیای اسلام سده‌های میانه بیشترین نزدیکی را دارد. در واقع کلمات بازار (bāzār فارسی از wāzār پهلوی) و کاروان (واژه فارسی و پهلوی kārwān) ریشه فارسی دارند، این واژه‌ها به هند گورکانی رفت و سپس از آنجا وارد زبان‌های اروپایی شد.

در قرن شانزدهم م/دهم ه.ق سلسله تازه‌ای بر ایران حاکم شد که پیرو طریقت روحانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود (وفات ۱۳۳۴ م/۷۳۵ ه.ق). صفویان خاستگاه کرد و آذری داشتند. قدرت ستیزه‌جویانه برخاسته از حمیت دینی‌شان جمعیت اکثر سنی‌مذهب ایران را با تعداد چشمگیری اقلیت یهودی، زرتشتی و مسیحی به یک امپراتوری شیعه تبدیل کرد که میان دو امپراتوری مسلح به سلاح‌های باروتی عثمانی و گورکانی تحت فشار بود. در مکاتبات رسمی صفویان، قلمرو آن‌ها ایران نامیده می‌شد. اصفهان پایتخت جدید که به زیبایی شهره بود، با بازارها، مساجد و باغ‌هایش به یکی از عجایب جهان تبدیل شد. هنوز هم می‌توان هنگام دیدار از اصفهان نوزایی فرهنگی صفویان را حس کرد. در زمانه‌ای که اروپاییان به دنبال تثبیت قدرت خود در آسیا، آفریقا و آمریکا بودند، صفویان از ایران محافظت می‌کردند. در قرن هجدهم م/دوازدهم ه.ق افغان‌ها آخرین فرمانروای صفوی، شاه سلطان‌حسین، را از قدرت ساقط کردند و به حاکمیت صفویان پایان دادند.

روند حوادث به سرعت تغییر کرد و نادرشاه افشار و به دنبال او کریم‌خان زند در قرن هجدهم م/دوازدهم ه.ق استقلال ایران را با حکومت سلسله‌های افشار و زندیه اعاده کردند. نادرشاه حتی به هند حمله کرد و عملاً به قدرت گورکانیان پایان داد. کریم‌خان با «وکیل‌الرعايا» خواندن خود تلاش کرد نظامی نیابتی به وجود آورد و از شیراز بر کشور حکومت کند. آرامش دوران کریم‌خان خیلی زود به سر آمد و کشور سرانجام به دست خاندان قاجار افتاد که از سال ۱۷۹۴ تا ۱۹۲۱ م/۱۲۰۸-۱۳۳۹ ه.ق حکومت کردند و آقامحمدخان قاجار مؤسس آن بود. ایران در دوران قاجار با مدرنیته آشنا شد، اما بخش‌هایی از اراضی خود را نیز [طی دو جنگ] به روسیه واگذار کرد. قاجارها راه توازن را یافتند و استقلال ایران را میان دو قدرت استعماری بریتانیا و روسیه که هدفشان کنترل اقتصادی و سیاسی کشور بود حفظ کردند. از سوی دیگر، ناصرالدین‌شاه، با طولانی‌ترین دوران سلطنت در سلسله قاجار، به همراه امیرکبیر تلاش کرد نهادهایی در تهران برای مدرن کردن کشور به وجود آورد. او در سفر به اروپا مسحور دنیای مدرن شد و این آغاز روند مدرن‌سازی و انتقال افکار تازه به کشور بود: از چراغ گاز و پس از آن چراغ برق خیابان‌ها گرفته تا تأسیس دستگاه‌های اداری جدید و روزنامه‌ها. با وجود این نوآوری‌ها و

۱. پایان رسمی حکومت قاجارها سال ۱۳۰۴ ه.ش (۱۳۴۳ ه.ق) است که مجلس شورای ملی احمدشاه را از سلطنت خلع و پایان سلطنت قاجارها را اعلام کرد. — م.

تغییرات، سلطنت مطلقه استبدادی کماکان برجای ماند تا بالاخره توده مردم به رهبری روحانیون شیعه و رهبران سکولار در سال ۱۹۰۶ م/ ۱۳۲۴ ه.ق (۱۲۸۵ ه.ش) انقلاب مشروطیت را برپا کردند. شاه مجبور شد قانون اساسی را امضا کند، مجلس تشکیل شد، انتخابات برگزار شد و مردم در تصمیم‌گیری مشارکت جستند. قانون اساسی ایران یکی از اولین قانون‌های اساسی تأییدشده توسط مردم در خاورمیانه بود و تلاش می‌کرد قدرت شاه را محدود کند و به مردم اختیار دهد. در سال ۱۹۲۱ م/ ۱۲۹۹ ه.ش یک افسر قزاق ایرانی به نام رضاخان با کودتا به قدرت رسید و در سال ۱۹۲۵ م/ ۱۳۰۴ ه.ش در مقام اولین پادشاه سلسله پهلوی تاج‌گذاری کرد. در این زمان ایران که با سرعت بیشتر به سوی سکولار شدن و مدرنیزاسیون پیش می‌رفت، نهاد روحانیت شیعه و بیشتر گذشته سنتی خود را پشت سر گذاشت. اصلاحات ناصرالدین شاه مشهودتر و در دوران رضاشاه و پسرش نهادینه شد. کشف نفت در اوایل قرن بیستم م/ چهاردهم ه.ش ایران را به سوی ایجاد زیرساخت‌ها و آموزش توده مردم سوق داد، کشور تقویم خود را عوض کرد و زنان و ادار به برداشتن حجاب سنتی خود شدند.

پس از خلع رضاشاه از سلطنت به دست بریتانیا در سال ۱۹۴۱ م/ ۱۳۲۰ ه.ش، پسر جوان او محمدرضاشاه بر تخت نشست. این تغییر دوره‌ای از گشایش را در مطبوعات به دنبال داشت و مشارکت سیاسی باعث به وجود آمدن دوران مهم تازه‌ای در تاریخ فکری و ادبی ایران شد. در سال ۱۹۵۱ م/ ۱۳۲۹ ه.ش محمد مصدق، نخست‌وزیری که به صورت دموکراتیک انتخاب شده بود، صنعت نفت ایران را ملی اعلام کرد. در پاسخ، بریتانیا کشور را تحریم کرد. [در سال ۱۹۵۳ م/ ۱۳۳۲ ه.ش] کودتایی رخ داد، این بار توسط ارتش ایران و با پشتیبانی سیا، سازمان اطلاعاتی ایالات متحده، که نتیجه آن خلع نخست‌وزیر منتخب مردم و بازگشت شاه به کشور بود. در دهه ۱۹۶۰ م/ ۱۳۴۰ ه.ش ایران رژیم استبدادی و سرکوبگر داشت و هر گونه صدای مخالف را سازمان اطلاعاتی مخوف ساواک خفه می‌کرد. در حالی که تعداد بیشتری از نسل جدید ایرانیان فرهیخته و باسواد شده بودند، شمار زیادی از ایرانی‌ها به دلیل تضاد فرهنگی به‌وجودآمده در کشور خشمگین و در پی احیای سنن اسلامی و فرهنگی خود بودند. اصلاحاتی مانند آزادی زنان، حق طلاق، اصلاحات ارضی، در هم شکستن قدرت حاکمان سنتی، و سکولار شدن دادگاه‌ها بسیاری از روحانیون را خشمگین کرده بود از جمله آیت‌الله خمینی را که در سال ۱۹۶۳ م/ ۱۳۴۲ ه.ش محمدرضاشاه و وابستگی فزاینده او به غرب و غربی کردن ایران را به باد انتقاد گرفت.

شواهد روزافزون نشان می‌دهد محمدرضاشاه در اواخر دهه آخر حکومت خود تلاش می‌کرد وابستگی کمتری به ایالات متحده و غرب داشته باشد و استقلال بیشتری کسب کند، او می‌خواست قدرت خود را در منطقه اعمال کند. او به‌راستی ملی‌گرا بود اما ماندن وی در قدرت نتیجه تلاش‌های ایالات متحده آمریکا و پلیس مخفی و نیروی نظامی ایران تلقی می‌شد. از این رو چپ‌گرایان، لیبرال‌ها و اسلام‌گرایان در سال ۱۹۷۸ م/ ۱۳۵۷ ه.ش به هم پیوستند تا سلسله

پهلوی را سرنگون کنند. تلاش‌های شاه برای آرام کردن مردم با روی کار آوردن دولتی لیبرال‌تر بسیار اندک و بسیار دیر بود. او کشور را ترک کرد و فوریه ۱۹۷۹ م/ بهمن ۱۳۵۷ ه.ش آیت‌الله خمینی به کشور بازگشت. طی چند ماه بنیان جمهوری اسلامی ایران گذاشته شد. این قیام که آخرین انقلاب بزرگ قرن بیستم به شمار می‌رود آرایش سیاسی خاورمیانه را تغییر داد. این انقلاب شروع جنبش‌های اسلامی، مقاومت و کشمکش با غرب در جهان اسلام به شیوه‌های گوناگون بود. با واکنش ایران و اسلام در مقابل امپریالیسم، طرح کلی برنامه یک قرن قبل سیدجمال‌الدین اسدآبادی (در غرب معروف به افغانی) محقق شد.

طی هشت سالی که از پی آمد، به سبب شور و شوق دینی و ایدئولوژیک، ایرانیان اشتیاقی به آزادی و ارزش‌های دموکراتیک نداشتند، آن‌ها اسلام و «رجعت» به گذشته اسلامی خود را برگزیدند. حقوق اجتماعی آن‌ها به شدت محدود شد، بسیاری اعدام شدند، مخالفت‌های سیاسی سرکوب شد، و لیبرال‌ها، چپ‌گرایان و تعدادی از اسلام‌گرایان دستگیر شدند. در همان حین جنگ با عراق منابع و سرمایه‌های ایران را تحلیل برد. تسخیر سفارت آمریکا و جنگ لبنان موجب تنش فراوان در منطقه و دنیا شد. این کشمکش‌ها باعث انزوای ایران در جامعه جهانی به‌ویژه از سوی کشورهای غربی شد. متعاقب آن، اقدام دانشجویان ایرانی با پشتیبانی آیت‌الله خمینی باعث سقوط مهدی بازرگان، نخست‌وزیر مذهبی اما لیبرال، و پس از آن فرار ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور ایران، شد. از آن به بعد قدرت به طور کامل در دست روحانیون قرار گرفت، آرزوی آن‌ها تأسیس حکومت مطلقه دینی در سراسر دنیای اسلام بود. در سال ۱۹۸۸ م/ ۱۳۶۷ ه.ش، وقتی جنگ ایران و عراق به پایان رسید، تعداد زیادی از زندانیان سیاسی اعدام شدند و آیت‌الله خمینی درگذشت. از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۱ م/ ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ ه.ش مواضع سیاسی ایران، جز در مورد مسئله اسرائیل-فلسطین، کمتر بنیادگرایانه بود. حکومت برنامه بازسازی زیرساخت‌ها و صنایع ایران را شروع کرد و به روستاها و شهرهای کوچک ایران آب و برق رساند. به منظور آموزش جوانان زیادی که پس از انقلاب به دنیا آمده بودند در بیشتر شهرها دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شد. شعار حکومت «نه شرقی نه غربی» بود و بر استقلال ایران از قدرت‌های بزرگ دنیا تأکید داشت.

در سال ۱۹۹۷ م/ ۱۳۷۶ ه.ش محمد خاتمی با اکثریت آرا به ریاست‌جمهوری انتخاب شد و تغییرات اجتماعی بزرگی در جامعه به وجود آمد. در واقع، نوعی احیای فرهنگی دوباره در ایران بود. فیلم، کتاب، روزنامه و موسیقی از نو جان گرفت. محدودیت‌های زنان و قانون سفت و سخت پوشش سهل‌تر شد؛ گشایش و نیز روابط بهتر با غرب باعث بهبود تصویر و موقعیت ایران در دنیا شد. شعار و برنامه خاتمی برای «گفتگوی تمدن‌ها» الهام‌بخش تغییرات بسیار و خواست‌های تازه به‌ویژه میان جوانانی بود که بیش از نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. با این همه، اراده‌ای کاملاً مخالف با این روند وجود داشت که تلاش می‌کرد جلوی این

تغییرات را بگیرد یا آن را کُند سازد. در سال ۱۹۹۹م/۱۳۷۸ ه.ش دانشجویان به خیابان‌ها آمدند و اولین نشانه‌های ناراضی‌گری در میان نسل دوم ایرانیان پس از انقلاب آشکار شد. رهبر ایران، که تا آن زمان به عنوان میانجی میان لیبرال‌ها و محافظه‌کاران حکومتی عمل کرده بود، این جنبش را محکوم کرد. متأسفانه حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱م/۱۳۸۰ ه.ش موضع ایالات متحده در قبال دنیای اسلام را سخت‌تر کرد. هرچند ایران آماده مذاکره با ایالات متحده بود، جورج دبلیو. بوش رئیس‌جمهور آمریکا و دولت او این خواسته را نادیده گرفتند و به عراق و افغانستان حمله کردند و همین امر باعث تضعیف بیشتر خاتمی شد. بوش ایران را بخشی از «محور شرارت» نامید و با این اظهارات تمام امیدها برای اصلاحات در ایران به باد رفت.

در سال ۲۰۰۵م/۱۳۸۴ ه.ش محمود احمدی‌نژاد ششمین رئیس‌جمهور ایران شد. برنامه سیاسی پوپولیستی او موجب تغییرات گسترده در چشم‌انداز سیاسی کشور گردید. چالش احمدی‌نژاد با جامعه بین‌الملل، انکار هولوکاست، و موضع وی در طرفداری از فلسطین، او را در جهان اسلام محبوب کرد. در همان زمان محدودیت‌هایی برای مطبوعات و نشر کتاب ایجاد کرد و تلاش می‌کرد کشور در دیدگاه‌ها و رفتار خود اسلامی‌تر عمل کند. با سپاه پاسداران قراردادهای دولتی پرسودی بسته شد و این نهاد نقش پررنگ‌تری در اقتصاد و سیاست ایران به دست آورد. به نظر می‌رسد انتخابات پراعتراض سال ۲۰۰۹م/۱۳۸۸ ه.ش آغازگر فصل تازه‌ای در چالش سیاسی ایران عصر جدید باشد. این اعتراضات خواسته‌هایی بیش از انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی داشت و نسل تازه‌ای آن را بیان می‌کرد که نه در پی خواسته‌های ظاهری بلکه آزادی‌های واقعی سیاسی و اجتماعی بود.

این کتاب در شانزده فصل به بررسی جامع دنیای ایرانی (جیحون تا فرات) و تاریخ آن پرداخته و فراتر از مرزهای دولت-ملت کنونی رفته است. مرزهای کشورها و امپراتوری‌ها در طول تاریخ دستخوش تغییر می‌شود اما ارزش‌های فرهنگی آن‌ها در جایی که سده‌ها شکوفا بوده طنین می‌افکند و باقی می‌ماند. این چالش‌ها نه تنها شالوده تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران را روشن می‌کند بلکه پژوهاک آن را در دنیای فرهنگی گسترده‌تر ایران (آنچه ایرانشهر می‌نامیم)، که شامل افغانستان، ازبکستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس است، نشان می‌دهد. هویت ایرانی که طی یک روند طولانی تاریخی شکل گرفته نیز فراتر از قلمرو امروزی کشور ایران ظهور و بروز پیدا می‌کند. ایرانیان نه تنها شاید مدعی باشند برخی تاجیک‌ها و افغان‌ها ایرانی هستند بلکه آسیای مرکزی را منطقه‌ای می‌دانند که فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در آن شکل گرفت و تحول یافت. در واقع نوعی احساس انسجام فرهنگی وجود دارد که این مردمان را بدون توجه به تغییرات سیاسی و زبانی که در دوران جدید رخ داده به هم پیوند می‌دهد.

امیدوارم این کتاب پیچیدگی تاریخی ایران و ایرانیان را که به تدریج و در ادوار مختلف شکل گرفته است نشان دهد. برای درک تاریخ و مردم ایران باید این تحولات و عناصر استمرار و

تغییر آن را بررسی کرد. گذشته به شدت بر تعامل و رفتار اجتماعی و سیاسی امروزی ایرانیان سایه افکنده است. شاهنشاهی هخامنشی، ساسانی، فتوحات اعراب مسلمان و مغولان، و سلطه بریتانیا و روسیه و آمریکا همگی تأثیری انکارناشدنی بر روان ایرانیان نهاده‌اند. بدون دانستن تاریخ ایران نمی‌توان ایرانیان را درک کرد، ایرانیانی که مانند بسیاری اقوام دیگر تاریخ خود را مقدس و چراغ راه آینده تصور می‌کنند.

از سده هفدهم م/ یازدهم ه.ق که اروپا به شرق گرایش یافت، مطالعه ایران — یا پارس در آن زمان — یکی از علایق پژوهشگران بوده است. روایات یونانی و رومی همراه با روایت‌های جهانگردان اروپایی و مسافرانی که گزارش‌های قدیمی راهنمای آن‌ها بود، ایران را به مقصدی برای پژوهش تبدیل کرد. منافع استعماری و سیاسی روسیه، بریتانیا، فرانسه و آلمان و تمایل آن‌ها به اعمال قدرت بر ایران شناخت آن را ضروری ساخت، زیرا سرزمین‌هایی که تحت تأثیر فرهنگ ایران بودند یا بخش‌هایی از جامعه متنوع آن محسوب می‌شدند در این زمان در دست اروپاییان بود. مثلاً زبان رسمی هند که تا اواخر سده هجدهم م/ دوازدهم ه.ق فارسی بود به انگلیسی تغییر کرد. در قرن هجدهم م/ دوازدهم ه.ق افغانستان سرانجام از حوزه نفوذ سیاسی ایران خارج شد. در قرن نوزدهم م/ سیزدهم ه.ق قفقاز — شامل کشورهای کنونی ارمنستان، آذربایجان و گرجستان — را روس‌ها قبضه کردند و در قرن بیستم م/ چهاردهم ه.ق بحرین از ایران جدا شد. به تعبیری مطالعه فرهنگ ایران به دلیل منافع اروپاییان در این مناطق و خود ایران بود. در دوره جدید توجه به ایران به صورت مستمر افزایش یافت، به‌ویژه کشف نفت در ایران این کشور را به قدرت منطقه‌ای مهمی تبدیل کرد. با ایجاد کشوری مدرن و تشویق سلسله پهلوی برای مطالعه درباره ایران، پژوهشگران بیش از پیش به این کشور به عنوان یکی از کشورهای غیرعرب خاورمیانه علاقه‌مند شدند.

انقلاب اسلامی در ایران چرخشی تمام و کمال از سکولاریسم به اسلام‌گرایی بود و واکنشی در مقابل نفوذ سیاسی و اقتصادی دیرینه اروپاییان و آمریکاییان. تأکید ایران بر استقلال خود در مقابل نفوذ بیگانه و قدرت‌نمایی آن در منطقه، این کشور را برای جامعه دانشگاهی جذاب‌تر کرد. جایگاه آن به عنوان تنها دولت دین‌سالار در دنیای کنونی و در عین حال یکی از معدود کشورهای خاورمیانه با شکلی از حکومت انتخابی دلیل دیگر توجه دوباره به ایران بود. حکومت و سیاست‌های منطقه‌ای آن، تقابل لفظی با اسرائیل، مسئله انرژی هسته‌ای همگی ایران را به کشوری مهم برای مطالعه تبدیل کرد. برای درک این‌که چرا و چگونه این حوادث رخ داد یا رخ می‌دهد باید از تاریخ و سنن ایران اطلاع یافت. برای آن‌هایی که زحمت اطلاع از تاریخ ایران را به خود نمی‌دهند و تنها به اخبار کانال‌های خبری عامه‌پسند و مفسران اکتفا می‌کنند ایران همچنان کشوری مرموز و درک‌ناپذیر باقی خواهد ماند.

